

روح اشعریّت در جامعه های غیر علمی قوی است

در جامعه های تسخیری، نظام جامعه برانسان حاکم است، اما در جامعه های تدبیری، نظام در خدمت انسان است.



خبرگزاری مهر- در جامعه های تسخیری، نظام جامعه برانسان حاکم است، اما در جامعه های تدبیری، نظام در خدمت انسان است. همین حالت تحمیلی و اجباری بودن جامعه، افراد را طوری بار می آورد که نتوانند به اراده و توان خود، باور داشته باشند. در نتیجه روح اشعریّت در وجود تك­ وجود تك­ تك انسان ها پدید آمده، تقویت می گردد. دکتر سید یحیی یثربی استاد بازنشسته فلسفه طی یادداشت هایی نکته shy­ های ضروری و قابل توجه برای مسئولان و مردم در shy­ باره shy­ انتخابات یادآور شده که به ترتیب ارائه خواهیم کرد. در قسمت قبل به ویژگی های جامعه های غیر علمی (تسخیری) اشاره شد در این بخش به ویژگی های دیگر آن پرداخته می شود.

ویژگی shy­ های دیگر جامعه shy­ های غیر علمی (تسخیری) جامعه shy­ های غیر علمی علاوه بر چهار ویژگی گذشته، ویژگی shy­ های دیگری نیز دارند که در این shy­ جا به دو مورد دیگر از آن shy­ ها اشاره می کنیم:

1- جبرگرایی

منظور من از جبرگرایی آن است که آدمی اراده shy­ خود را در سرنوشت فرد و جامعه مؤثر نداند. چون انسان اراده خود را بی shy­ اثر دانست، قطعاً حوادث را معلول عوامل دور از دخل و تصرف انسان ها می داند. این عامل می تواند تقدیر، روزگار، فلك، سیاست انگلیس، جادو، بخت، جن، پری و امثال این ها باشد. ما کاری به درستی و نادرستی برخی یا همه این ها نداریم. بی shy­ تردید اکثریت مردم ایران که مسلمان و شیعه اند به وجود خداوند و قضا و قدر ایمان داشته و عقیده ای به جادو و بخت ندارند. لذا لازم نیست که برای اثبات نقش و تأثیر انسان در سرنوشت خود، وجود خداوند و عوامل غیبی را انکار کنیم. يك مسلمان شیعه، با ایمان به خداوند و علم ازلی او و قضا و قدرش، می تواند انسان را يك موجود آزاد و مختار دانسته، وضع دنیا و آخرت هرکس را معلول و متأثر از اراده و رفتار آزادانه، او بداند.

مکتب شیعه بیش از سیزده قرن است که با دیدگاه #171جبرگرایی» که مورد توجه و ترویج امویان بود، مبارزه می کند. اما شرایط اجتماعی و تربیتی، مردم را از تعلیمات این مکتب جدا کرده، و به اشعریّت کشانده است. برای روشن شدن موضوع به توضیح دو مطلب می پردازیم:

1. ویژگی های اصلی جبرگرایی

جبرگرایی و اشعریّت در جهان اسلام، دارای سه ویژگی اصلی و عمده، به شرح زیر است:

يك- ندانستن؛ یعنی این shy­ که انسان مسائل و گزاره shy­ هایی را بپذیرد، بدون آن shy­ که بتواند آن ها را توجیه و تبیین کند. مثلاً باور کند که خدا جهان را آفریده است، یا خدا دیده می شود. اما نداند که چگونه؟ قبول کند که خداوند یکی را عزیز کرده و دیگری را ذلیل می کند، اما نداند که چرا؟ اشعریّت در واقع نوعی خردورزی نمایشی است. اصولاً پیدایش اشعریّت برای آن بود که، به ایمان تقلیدی شکل تحقیق بدهد و باورهای نقلی را عقلانی نشان دهد.

در جریان درگیری ظاهریه با معتزله، تکیه shy­ گاه اولی نقل و ابزار دومی عقل و اندیشه بود. اشعریّت، این دو گروه درگیر را بر این اساس که بیندیشند، اما کاری به چون و چرا نداشته باشند! به یکدیگر وصل کرد. لذا عملاً بیش از هر دو گروه رشد و رواج یافت! برای این shy­ که اصالت را هم به نقل می داد و هم به عقل. اما در واقع عقل را آزاد نمی گذاشت و از چون و چرا باز می داشت. خلاصه این shy­ که، یکی از ویژگی shy­ های اشعریّت همین است که اجازه چون و چرا نمی دهد.

دو- نتوانستن؛ اشعریّت، با انکار قانون علیّت، رابطه انسان را با همه حوادث پیرامون او قطع می کند. همان shy­ گونه که رابطه همه پدیده ها را با حوادث پیرامونشان قطع می کند. از نظر آنان انسان در پدید آمدن پدیده های پیرامون خود، حتی پدیده shy­ هایی که ظاهراً معلول خود او هستند، نقشی ندارد؛ یعنی من و شما چنان که در گردش ستارگان نقشی نداریم، در پدید آمدن کلامی که با هم

ردّ و بدل می‌کنیم نیز نقشی نداریم. انسان با این حساب موجودی است که قدرت هیچ کاری را ندارد و هر چه برایش پیش آید، محصول اراده و تلاش خود او نیست.

سه- بی‌شهی؛ قانونی؛ درگیری اشعریّت با دیدگاه‌های مبتنی بر خردورزی، یعنی فلسفه و کلام معتزله، عمدتاً بر این اساس بود که خردورزان، نظام عالم را قانونمند می‌دیدند و حوادث را در چارچوب قانون توجیه و تبیین می‌کردند. درحالی‌شهی؛ که اشاعره وجود هرگونه قانون و چارچوب حاکم بر جهان هستی را به شدت رد می‌نمودند.

از نظر فلاسفه و متکلمین معتزله، جهان و حتی خدای جهان هم تابع قانون بود. این قانون از نظر فلاسفه، قانون #171؛ علیّت» بود و از نظر متکلمین معتزله، اصل #171؛ حسن و قبح». همه‌شهی؛ کارهای جهان، انسان و خدا در چارچوب قانون علیّت و اصل حسن و قبح قرار داشت. اشعریّت هیچ یک از چارچوب‌های قانون علیّت و اصل حسن و قبح قرار داشت.

اما اشعریّت هیچ یک از چارچوب‌ها را نمی‌پذیرفت و جهان هستی را تابع اراده‌شهی؛ الهی و اراده الهی را هم آزاد از دایره علیّت و حسن و قبح می‌دانست. بنابراین، از نظر اشاعره جهان از قانون ثابتی پیروی نمی‌کند و همه چیز، همه‌شهی؛ جا امکان دارد. ممکن است، سنگ طلا شود، عزیز ذلیل گردد، یکی بیمار شود و دیگری شفا یابد؛ اما همه‌شهی؛ این‌ها، تنها به اراده الهی مربوط‌اند و با هیچ عامل دیگری تنظیم نمی‌شوند. و لذا نه گذشته با قانون قابل توجیه است و نه آینده با قانون قابل پیش بینی. همیشه همه چیز در همه‌شهی؛ جا امکان دارد، تنها با یک شرط و آن این که #171؛ اگر خدا بخواهد».

2. رابطه جامعه‌شهی؛ تسخیری و غیرعلمی با جبرگرایی

جامعه تسخیری همیشه رنگ جبرگرایی دارد. چنین جوامعی انسان‌ها را دانسته و ندانسته، جبرگرا بار می‌آورند. از عوامل و شرایط مؤثر در رشد و رواج جبرگرایی در این‌شهی؛ گونه جامعه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یک- ناخواسته بودن جامعه و شرایط اجتماعی. افراد جامعه‌های تسخیری که شرایط موجود، مطابق میل و ارده شان نیست، عملاً خود را در یک محیط جبری می‌یابند.

تلاش روشنفکران غرب، از جمله ژان ژاک روسو (مرگ 1778م) در این جهت بود که انسان از حالت قربانی شدن در پای جامعه‌ای که بالاجبار به او تحمیل شده، خارج شده، از نو جامعه‌ای را براساس اراده و آگاهی خود تأسیس کند.

در جامعه‌های تسخیری، نظام جامعه برانسان حاکم است، اما در جامعه‌های تدبیری، نظام در خدمت انسان است. همین حالت تحمیلی و اجباری بودن جامعه، افراد را طوری بار می‌آورد که نتوانند به اراده و توان خود، باور داشته باشند. در نتیجه روح اشعریّت در وجود تک‌شهی؛ تک انسان‌ها پدید آمده، تقویت می‌گردد.

دو- قانون‌مند نبودن جامعه. در جامعه‌های قانون‌مند، هر چیزی دلیل و توجیه خاص خود را دارد. میزان درآمد، دست یافتن به مسؤولیت‌های مدیریتی و اجرایی، حوادث جاری، صلح و جنگ، کامیابی و ناکامی و... اما در جامعه‌های تسخیری، به دلیل علمی نبودن جامعه معمولاً حساب و کتابی حاکم نبوده و اطلاع رسانی ضعیف است؛ و نیز به دلیل در حصار قدرت حاکم واقع شدن، یا به خاطر کنترل شدن از طرف قدرت حاکم، نهادهای قانونمندی جامعه، مورد اعتماد توده مردم به خصوص اپوزیسیون نمی‌باشند. بنابراین در یک جامعه بی‌شهی؛ قانون از همه جهت، زمینه اشعری‌شهی؛ گری فراهم می‌آید.

اینک به مواردی از عوامل رشد و رواج جبرگرایی در جامعه‌های غیرقانون‌مند اشاره می‌کنیم:

الف- توانگری و ناتوانی‌های بی‌شهی؛ حساب و کتاب. در این‌شهی؛ گونه جامعه‌ها موفقیت و شکست حساب و کتاب ندارد. و چون فقیر و غنی، کامیاب و ناکام، وضع خود را نتیجه اراده و انتخاب خود نمی‌دانند، آن را به خدا نسبت می‌دهند. و این همان اشعریّت است.

ب- توجیه کامیابی‌های نامشروع. در این‌شهی؛ گونه جامعه‌ها که عده‌ای با رانت‌شهی؛ خواری و زد و بند به جاه و مال می‌رسند و یک شبه ره صد ساله را می‌پیمایند، مانند معاویه و دیگر قدرتمندان و ثروتمندان، وضع خود را به خواست خدا نسبت داده و برای خود علاوه بر موقعیت مادی، جایگاه معنوی هم فراهم می‌آورند!

ج- توجیه آسان حوادث زندگی. ما معمولاً حوصله تجزیه و تحلیل حوادث را نداشته و دنبال علل و عوامل توجیه حوادث نمی‌رویم و با نسبت دادن همه‌شهی؛ کارها به خواست خداوند، خود را از دردسر تجزیه و تحلیل رها می‌سازیم. چه کسی حوصله و توان آن را دارد

که توژم، بیکاری، فساد و اختلاف طبقاتی جامعه را تجزیه و تحلیل کند و علت گرفتاری shy&های برخی خانواده‌ها و عده‌ای جوان را دریابد؟ پس باید با گفتن جمله shy&هایی از قبیل: قسمت، خواست خدا و غیره خود را نجات داد! و این‌ها یعنی اشعریّت.

د- تسخیر در حوزه ذهن و معرفت. ذهن جامعه‌های تسخیری، از طرفی در تصرف سنت چون و چرانپذیر است و از طرف دیگر در سیطره shy&؛ مظاهر مادی و فکری تجدّد! نه گذشته‌اش ساخته اراده و عزم اوست، و نه اکنونش! پس اشعری نباشیم چه باشیم!؟

2- فساد و بی‌shy&؛ عدالتی

در جامعه‌های تسخیری فساد و بی‌shy&؛ عدالتی یک امر عادی است. لازمه shy&؛ تسخیر، بهره shy&؛ برداری از قدرت و ثروت و امکانات است. این بهره‌برداری، غالباً در حدّ مشروع و مجاز متوقف نمی‌شود. در جامعه‌های تدبیری، برای مهارکردن قدرت و کاستن از شرّ و فساد آن، چاره shy&؛ اندیشی کرده‌اند. این مسأله که قدرت فسادآور است، جای بحث نیست، اما این shy&؛ که می‌توان آن را مهارکرد و حتی می‌توان، آن را از یک جامعه حذف کرد، نیز امری مسلم است که تجربه بشر تحقق آن را تأیید می‌کند.

آن shy&؛ چه در جامعه‌های تسخیری، قدرت را با فساد و بی‌shy&؛ عدالتی گره می‌زند، شرایط ویژه این نوع جامعه shy&؛ هاست. از جمله عوامل فساد قدرت در این shy&؛ گونه جامعه‌ها، می‌توان از موارد زیر نام برد:

الف- طبیعت تسخیر

تسخیر از هوا و هوس و خودی و خودخواهی سرچشمه گرفته، با جهل و بی‌shy&؛ خبری تغذیه و تقویت می‌گردد. در نتیجه در نهادش جایی برای فضیلت و ایثار وجود ندارد. آنان shy&؛ که در این میان دل به فضایل می‌بندند و به اخلاق و ادب قدرتمندان امیدوارند، غالباً با ناکامی روبه shy&؛ رو می‌شوند. زیرا قدرت، در نهادش خواستار سلطه و سرکوب است. آن shy&؛ چه این تسخیر را سامان داده است، چیزی جز هوا و هوس و اطماع و اغراض انسان نیست. پس با کدام وسیله می‌توان مانع و جلودار آن شد که تعدّی و تجاوز نکند؟

ب- بسط نفوذ سیاسی

قدرت تسخیرگر در اوایل کار دست به هر کاری می‌زند که تسخیرش استوار گشته و استقرار پیدا کند. هرکس را که به نوعی با قدرت سابق ارتباط داشت یا در آینده می‌تواند قدرت مخالفی پدید آورد، یا از مخالفان، حمایت کند، از همان آغاز از میان بر می‌shy&؛ دارد. همه shy&؛ فاتحان، تمامی اعضای خاندان مخالف خود را با همه هوادارانشان قتل عام می‌کردند. همین محمود افغان در یک مهمانی صدها نفر از امیران و شاهزادگان صفوی را در یک شب از دم تیغ گذراند. به ندرت اتفاق می‌افتاد که فاتحی مثل نادر با تاج بخشیدن، به غارت دار و ندار شاه شکست خورده قناعت کند! جریانی که در فتح مکه در صدر اسلام اتفاق افتاد، آن همه مهربانی، افتادگی، گذشت و محبّت، یک اعجاز بود نه یک جریان عادی.

بدین shy&؛ سان هر فاتحی پس از تسخیر و دست یافتن به قدرت برای استقرار خود، رسم جهانگیری به جای می‌آورد. این جهانگیری هم معمولاً هرگونه جرم و جنایتی را توجیه می‌کند.

ج- تمهید و زمینه سازی برای استمرار قدرت

بسیاری از بی‌shy&؛ عدالتی‌ها و تعدّی و تجاوزها به خاطر آن است که زمینه را برای استمرار قدرت فراهم سازد. سوء استفاده از امکانات و تبعیض و ستم لازمه دوراندیشی صاحبان قدرت در نظام تسخیری است. دائماً می‌کوشند تا هرگونه فرصت و امکانی را از نفوذ و دستیابی عوامل مخالف به قدرت از بین ببرند.

د- عدم امکان مهار قدرت و بازخواست مسؤولان.

در نظام تسخیری، قدرتمندان اگرچه به دست مردم هم به قدرت رسیده باشند، به خواست مردم قدرت را رها نمی‌کنند. از این shy&؛ جاست که دانشمندان غرب، دموکراسی درست را در آن می‌دانند که مردم بتوانند، حاکمان را از مسند قدرت نیز پایین آورند و گرنه تنها به قدرت رساندن کافی نیست. برای مهار قدرت لازم است که مردم امکان انتقاد داشته باشند و مسؤولان هم مکلف به پاسخگویی باشند.

اما در نظام تسخیری، به دلایلی این کار امکان ندارد. شاید دلیل عمده مسأله آن باشد که قدرت‌های تسخیری، طبعاً از خود و عوامل

خود به هر قیمتی پاسداری می‌کنند. لذا جز با پادرمیانی عزرائیل قدرت را رها نمی‌کنند! در نظام‌های تسخیری، عزل و استعفا معنی ندارد. چون این‌ها دلیل ناتوانی یا فسادند و ناتوانی و فساد در شأن حاکمان تسخیری نیست!

حاکمان تسخیری، سخت از وضع موجود دفاع می‌کنند و هرگونه نقد و اتهامی را به فعالیت‌های براندازی نسبت می‌دهند. در نتیجه هرگونه انتقادی را مغرضانه و مخرب می‌دانند. و همین کار به عوامل خودی فرصت می‌دهد که هرچه می‌توانند، سوء استفاده کنند. این سوء استفاده، خود به ترویج فساد و تبهکاری در سطح جامعه یاری می‌رساند.

هـ- عدم امکان تفکیک قوا.

یکی از کارهای نظام shy&های تدبیری، تفکیک قوای مجریه، مقننه و قضائیه است. بی‌تردید این کار آثار سودمندی دارد. اما در نظام shy&های تسخیری، اگر هم ظاهراً این تفکیک انجام پذیرفته باشد، در عمل قانون shy&گذاری و قضاوت، هیچ shy&کدام، از نفوذ قدرت در امان نخواهند بود.

و- عدم اعتراف به صداقت و صلاحیت دیگران

در نظام تسخیری گروه مسلط، برای این shy&که هیچ shy&گونه فرصت نفوذ و کامیابی به طرف مخالف ندهد، هرگز به توان و صلاحیت آنان اقرار نمی‌کند. همین برخورد خصمانه روز به روز بر تخاصم و کینه shy&توزی می‌افزاید. چنان shy&که گذشت، قدرت مسلط هیچ shy&گونه انتقاد و افشاگری را درباره عوامل خود نپذیرفته، همه آن‌ها را با غرض shy&ورزی طرف مخالف توجیه می‌کند.

اگر هم روزی ناچار شود که به وجود فساد و ناتوانی در جامعه اقرار کند، خود را مسؤول آن نمی‌داند، بلکه ناشی از شیطنت عوامل داخلی و خارجی یا فساد و انحراف دیگران می‌داند! و اگر زمانی فساد و بی shy&عدالتی آن قدر شایع شد که جایی برای انکار نماند و نیز اگر نتوانند نقش بی shy&تدبیری خود را در پیدایش این فساد و بی shy&عدالتی انکار کنند، باز هم به جایی طرف مخالف، خود را تنها عامل صالح برای جبران این فساد و بی shy&عدالتی دانسته، پرچم اصلاحات را خود به دوش می‌کشند! چنان shy&که شاه در آخرین ایام حکومت خود اظهار داشت که: #171;انقلاب شما نمی‌تواند مورد تأیید من نباشد... من نیز صدای پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم! و حاضر شد که با همکاری مردم دست به اصلاحات بزند.

بدین shy&سان در هیچ شرایطی، اپوزیسیون را به حساب نیاورده، بر عقده و کینه آنان می‌افزایند. همین امر باعث می‌شود که هر دو طرف به نوعی، فرصت‌طلبی و فساد را جایز شمرده، پایبند قانون و اخلاق نباشند. حاکمیت با توسل به امکاناتش و جبهه مغلوب با توسل به عقده‌های مردم از حاکمیت و با ارتباط مستقیم با مردم و شب shy&نامه و شایعه، در تحقیر و تکفیر یکدیگر کوشیده، لحظه‌ای آرام نداشتند. این وضعیت سه نتیجه فاسد را به دنبال خواهد داشت:

یکی، اختلال اوضاع عمومی کشور؛ درگیری دولت و اپوزیسیون عملاً پیشرفت کارها را مختل نموده، و وقت و امکانات کشور به جایی آن shy&که برای رشد و شکوفایی کشور هزینه شود، صرف این درگیری می‌شود. سازمان‌های اطلاعاتی، پلیس و عوامل دیگر از یک طرف و فعالیت‌های اپوزیسیون از طرف دیگر کشور را به منجلاب آشوب و اختلال می‌کشاند.

و دیگری رواج بی shy&بند و باری و فساد؛ تبلیغات، افشاگری، تهمت و افترای رد و بدل شده میان دو طرف، عملاً جامعه را به سوی یأس، بی‌بند و باری، فساد و تعدی به اموال عمومی و بی‌توجهی به اصول انسانی و اجتماعی سوق می‌دهد.

و سومی، خشونت؛ معلوم است که وقتی مردم یک جامعه به دو یا چند دسته مختلف تقسیم شده و دچار ستیزه و کینه shy&توزی گردند، حتماً گرفتار خشونت خواهند شد. اصولاً چنان shy&که گذشت، خشونت چیزی جز عدول جامعه از تعاون و تبدیل گفتگوی منطقی به تخاصم و رفتار غیر منطقی نمی‌باشد.

ز- علل و عوامل دیگر. همانند نبودن سلسله مراتب درست. عدم امنیت، عدم اطمینان به آینده، چشم هم چشمی، نمایش ثروت، نیازآفرینی، عدم کفایت درآمدهای مشروع، و ده‌ها عامل دیگر، دست به دست هم داده، فساد و انحراف را گسترش می‌دهند. دزدی، قاچاق، اعتیاد، ارتشا، خودفروشی، طلاق، بدرفتاری، خشونت عمومی و صدها مشکل دیگر از لوازم اجتناب‌ناپذیر جامعه‌های تسخیری است.